

**أفضل الزوجه لختم الانبياء، ام المومنين خديجه العذراء**

**سيد سجاد مرعشى**

**مركز حقائق اسلامى**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## حضرت خدیجه سلام الله علیها

خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بن مره ابن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه؛ و نام مادرش: فاطمه بنت زائده (زید) بن الأصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک.<sup>۱</sup>

مشهور به خدیجه کبری سلام الله علیها و ام المؤمنین، اولین و شایسته ترین همسران رسول خداست. ایشان در زمره همسران قریشی رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار آمده و از جهت قرابت و خویشاوندی نزدیکترین همسران به لحاظ نسبی به ایشان است. آن حضرت، دختر خویلد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود، که جناب قصی، جد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد. بنابراین حضرت خدیجه نیز با چند واسطه دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و از جهت ریشه خاندانی با یکدیگر متحد می شوند. لذا سلسله نسب حضرت خدیجه به حضرت اسماعیل علیه السلام و ابراهیم خلیل الله علیه السلام که جد ۲۸ و ۲۹ رسول الله است، می رسد.<sup>۲</sup>

حضرتش در حجاز و شهر مکه، در شبه جزیره عربستان در خانواده ای که با آداب و رسوم خرافی روزگار بیگانه بود به دنیا آمد. پس از ولادت او، خاندانش، برخلاف رسم سیاه زمانه (زنده به گور کردن دختران)، ولادت او را گرامی داشتند و پدر و مادرش «خویلد» و «فاطمه»، نام او را «خدیجه» به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها برگزیدند.

خدیجه همه ثروت خود را در راه نشر اسلام به کار گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به احترام خدیجه، در طول حیات او همسر دیگری برنگزید و پس از درگذشت وی همواره از او با نیکی یاد می کرد.

از دوران کودکی و نوجوانی او تا هنگام ازدواج با پیامبر و حتی بعد از آن، اطلاعات اندکی در دست است و بخشی از اخبار تاریخی درباره احوال ایشان نیز دست خوش دخل و تصرف قصه پردازان شده و با اسرائیلیات درهم آمیخته است.

---

۱. سیره ابن اسحاق = السیر والمغازی ص ۸۲ / السیره النبویه لابن هشام ج ۱ ص ۱۷۳ / الطبقات الکبری ج ۸

۲. مقاتل الطالبین ص ۲۹

## آشنایی و ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه سلام الله علیها وقتی آوازه درستی و امانت‌داری و خوش خلقی حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله را شنید، در پی مذاکراتی با حضرت ابوطالب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ، از برادر زاده او حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله برای امور مربوط به داد و ستدها در کاروان تجارتی خود درخواست نمود و حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله از سوی او و برای تجارت، به شام رفت.

پس از این سفر تجارتی بود که خدیجه سلام الله علیها، توسط میسره، غلامش، با ویژگی‌های حضرت صلی الله علیه و آله محمد آشنا شد.<sup>۳</sup> برخی از مورخان بر این باورند که خدیجه، به دلیل صداقت، امانت، حسن خلق و درست‌کاری پیامبر صلی الله علیه و آله ، پیشنهاد ازدواج را مطرح ساخته است. خدیجه سلام الله علیها به حضرت صلی الله علیه و آله گفت: «عموزاده من! به واسطه خویشاوندی که میان من و تو وجود دارد، و عظمت و احترامی که در نزد قوم خود داری، و امانت و خوی نیکو و راستگویی که در تو هست، می‌خواهم صریحاً به تو بگویم که مایلم به همسری تو درآیم»، پیامبر صلی الله علیه و آله موضوع را با عموی خود در میان گذاشت.<sup>۴</sup> ابن اثیر در کتاب اسد الغابه، همین عوامل را بیان کرده است.<sup>۵</sup>

در قولی دیگر این‌طور آمده که خدیجه سلام الله علیها شیفته لیاقت، نجابت، امانت‌داری و راستگویی، خوی نیکو، مکارم اخلاقی و معنوی، شخصیت ممتاز و محترم، و خصال پسندیده حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله شد و به ازدواج با او مایل گردید. سپس زنی به نام نفیسه بنت امیه<sup>۶</sup> را واسطه قرار داد تا آمادگی او را برای ازدواج، به اطلاع حضرت محمد صلی الله علیه و آله برساند.<sup>۷</sup>

مشهور آن است که خطبه‌ی عقد به وسیله‌ی حضرت ابوطالب علیه السلام عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام گردید و پذیرش و قبول آن نیز از سوی عمرو بن اسد عموی ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها صورت گرفت و در برابر این گفتار مشهور، اقوال دیگری نیز وجود دارد.

---

۳. البداية و النهاية ج ۲ ص ۲۹۳

۴. عیون الاثر ج ۱ ص ۶۳

۵. اسد الغابه ج ۱ ص ۲۳

۶. الطبقات الکبری ج ۸ ص ۱۹۳ مدخل ۴۱۸۴

۷. الطبقات الکبری ج ۸ ص ۱۳

مانند اینکه خطبه‌ی عقد توسط حمزه بن عبدالمطلب یا دیگر عموهای آن حضرت انجام شد. و یا اینکه پدر ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها، خُوَیْلِد بن اَسَد و یا پسر عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها، وَرَقَه بن نَوْفَل از طرف ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها قبول کرده و آن بانوی محترمه را به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد. و بلکه در پاره‌ای از روایات گفتار نابجای دیگری نیز نقل شده که ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به پدر خود خُوَیْلِد شرابی داده و او را مست کرد و او در حال مستی این ازدواج را پذیرفت چون به حال عادی بازگشت و از جریان مطلع گردید بنای مخالفت با این ازدواج را گذارده و بالاخره با وساطت و پا در میانی برخی از نزدیکان به ازدواج مزبور تن داده و آن را پذیرفت. که پاسخ آن را چند تن از راویان و اهل تاریخ عهده دار شده، متن گفتار ابن سعد در طبقات پس از ذکر چند روایت بدین مضمون می‌گوید:

«و قال محمد بن عمر: فهذا كله عندنا غلط و وهم و الثابت عندنا المحفوظ عن اهل العلم ان اباهما خُوَیْلِد بن اَسَد مات قبل الفجار و انعمها عمرو بن اَسَد زوجها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».<sup>۸</sup> یعنی: محمد بن عمر گفته است که تمامی این روایات در نزد ما ناصحیح و موهوم است و صحیح و ثابت نزد ما و دانشمندان آن است که پدر حضرت خدیجه سلام الله علیها یعنی خُوَیْلِد بن اَسَد پیش از جنگ فِجَار از دنیا رفته بود و عمویش عمرو بن اَسَد او را به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد.

و نظیر همین عبارت نیز از واقدی نقل شده<sup>۹</sup> و همچنین اقوال غیر مشهور دیگر را نیز پاسخ داده که نیازی به ذکر آنها نیست.

در پاره‌ای از روایاتی که در مورد این ازدواج فرخنده رسیده ظاهراً یک اشتباه دیگری نیز رخ داده که به جای عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها - یعنی عمرو بن اَسَد - وَرَقَه بن نَوْفَل بن اَسَد به عنوان عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها آمده که این مطلب گذشته از آنکه در اصل، خلاف مشهور است از نظر نَسَبی هم اشتباه است. زیرا وَرَقَه بن نَوْفَل پسر عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها است، نه عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها.

و بعید نیست که این کار از تصرفات ناقلان حدیث بوده که چون نام عموی حضرت خدیجه سلام

<sup>۸</sup>. الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۱۰۶

<sup>۹</sup>. تاریخ الطبری (سنی) ج ۲ ص ۲۸۲ / بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۹

الله علیها در حدیث آمده بوده و وَرَقَهُ بِنُوفَلٍ هَمَّ شَهْرَتِي افسانه‌ای داشته، آن عنوان را با این نام منطبق دانسته و به این صورت در آورده‌اند.

مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ کلینی در کتاب شریف کافی با مقداری اختلاف خطبه‌ی عقدی را که به وسیله ابوطالب ایراد شده نقل کرده‌اند که متن آن طبق روایت شیخ صدوق رحمه الله این گونه است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ زَرْعِ اِبْرَاهِيمَ وَ ذُرِّيهِ اِسْمَاعِيلَ وَ جَعَلَ لَنَا بَيْتًا مَحْجُوجًا وَ حَرَمًا اَمِنًا يَجْبِي اِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ جَعَلَنَا الْحُكَّامَ عَلٰى النَّاسِ فِي بَلَدِنَا الَّذِي نَحْنُ فِيْهِ ثُمَّ اِنَّ ابْنَ اَخِي مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا يوزنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ اِلَّا رَجَحَ وَ لَا يَقَاسُ بِاَحَدٍ مِنْهُمْ اِلَّا عَظُمَ عَنْهُ وَ اِنْ كَانَ فِي الْمَالِ قَلٌّ فَاِنَّ الْمَالَ رِزْقٌ حَائِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ لَهُ فِي خَدِيْجَةَ رَغْبَةٌ وَ لَهَا فِيْهِ رَغْبَةٌ وَ الصَّدَاقُ مَا سَأَلْتُمْ عَاجِلُهُ وَ اَجَلُهُ مِنْ مَالِي وَ لَهُ خَطْرٌ عَظِيمٌ وَ شَانٌ رَفِيْعٌ وَ لِسَانٌ شَافِعٌ جَسِيْمٌ»<sup>۱۰</sup>

یعنی: سپاس خدای را که ما را از کشت و محصول ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد و برای ما خانه‌ی مقدسی را که مقصود حاجیان است و حرم امنی است که میوه هر چیز به سوی آن گرد آید بنا فرمود و ما را در شهری که هستیم حاکمان بر مردم قرار داد. سپس برادرزاده ام محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب مردی است که با هیچ یک از مردان قریش هم وزن نشود جز آنکه از او برتر است و به هیچ یک از آنها مقایسه نشود جز آنکه بر او افزون است و او اگرچه از نظر مالی کم مال است ولی مال پیوسته در حال دگرگونی و بی ثباتی و همچون سایه ای رفتنی است و او نسبت به ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها راغب و حضرت خدیجه سلام الله علیها نیز به او مایل است و مهریه او را نیز هر چه نقدی و غیر نقدی بخواهید آماده است و محمد را داستانی بزرگ و شانی والا و شهرتی عظیم خواهد بود.

و در کتاب شریف کافی این گونه است که پس از این خطبه، عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها خواست به عنوان پاسخ ابوطالب سخن بگوید ولی به لکنت زبان دچار شد و نتوانست، از این رو ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها خود به سخن آمده گفت:

عمو جان: اگر چه شما به عنوان گواه اختیاردار من هستی ولی در اختیار انتخاب من خود شایسته تر از دیگران هستم و اینک ای محمد من خود را به همسری تو در می‌آورم و مهریه نیز هر چه باشد به

۱۰. الکافی ج ۵ ص ۳۷۴ / من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۹۷

۱۱. نظیر همین خطبه از حضرت ابوطالب با اختلافاتی در کتب متقدم اهل سنت نیز آمده است: الکامل فی اللغة و

الادب ج ۴ ص ۴ / اعجاز القرآن للباقلانی ص ۱۵۳ / نثر الدر فی المحاضرات ج ۱ ص ۲۷۴

عهده‌ی خودم و در مال خودم خواهد بود، اکنون به عموی خود (حضرت ابوطالب علیه السلام) دستور ده تا شتری نحر کند و ولیمه‌ای ترتیب دهد و به نزد همسر خود آی!

حضرت ابوطالب علیه السلام فرمود:

گواه باشید که خدیجه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به همسری خویش پذیرفت و مهریه را نیز در مال خود ضمانت کرد!

برخی از قریشیان با تعجب گفتند: شگفتا! که زنان مهریه مردان را به عهده گیرند؟!

حضرت ابوطالب علیه السلام سخت به خشم آمده روی پای خود ایستاد و گفت:

آری اگر مردی همانند برادرزاده من باشد زنان با گرانبها‌ترین مهریه‌ی خود خواهان‌شان می‌شوند

و اگر همانند شما باشند جز با مهریه گرانبها حاضر به ازدواج نمی‌شوند!

و در روایت خرائج راوندی است که چون خطبه عقد به پایان رسید و حضرت محمد صلی الله

علیه و آله و سلم برخاست تا به همراه عمویش حضرت ابوطالب علیه السلام به خانه برود حضرت

خدیجه سلام الله علیها به آن حضرت عرض کرد:

«... إلی بیتی فبیتی بیتی و أنا جارِیتک»<sup>۱۲</sup>

یعنی: به سوی خانه‌ی خود بیا که خانه من خانه تو است و من هم کنیز توام!

و از کتاب المنتقی کازرونی نقل شده که چون مراسم عقد به پایان رسید حضرت خدیجه سلام الله

علیها به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

«... یا مُحَمَّدُ مَرُّ عَمِّكَ أَبِطَالِبٍ يَنْحَرُ بَكْرَهُ مِنْ بَكَرَاتِكَ وَ أَطْعِمِ النَّاسَ عَلَى الْبَابِ وَ هَلُمَّ فَقِلْ مَعَ

أَهْلِكَ فَاطْعَمَ النَّاسَ وَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم فَقَالَ مَعَ أَهْلِهِ خَدِيجَهُ»<sup>۱۳</sup>

یعنی ای محمد به عمویت ابوطالب دستور ده شتر جوانی از شترانت را نحر کند و مردم را بر در

خانه اطعام کن و بیا در کنار خاندانت چاشت را به استراحت بگذران.

و حضرت ابوطالب علیه السلام این کار را کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد

حضرت خدیجه سلام الله علیها آمده و در کنار او به استراحت روزانه پرداخت و این دو حدیث دلالت

بر کمال علاقه و عشق حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

دارد چنانچه تا پایان عمر این عشق را نسبت به آن حضرت حفظ کرده بود. صلوات الله علیهما.

۱۲. الخرائج و الجرائح ج ۱ ص ۱۴۰

۱۳. بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۹ و ۲۰

به این ترتیب خورشید مکه، در حالی که تنها بیست و پنج سال از عمرش را پشت سر می گذاشت، بر بام بخت سرور زنان قریش تائیدن گرفت، حضرت خدیجه سلام الله علیها، همسر آفتاب شد و فصل نوینی در زندگی هر دو پدید آمد. حضرت خدیجه سلام الله علیها با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوندی ابدی برقرار ساخت؛ همدل، همسر و همراز وی شد.

## سن حضرت خدیجه در هنگام ازدواج

درباره سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دیدگاه‌های مختلفی از ۲۵ سال تا ۴۶ سال مطرح شده است. بسیاری سن حضرت خدیجه سلام الله علیها را هنگام ازدواج، ۴۰ سال دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup> اما روایات دیگری نیز در این باره وجود دارد.<sup>۱۵</sup> منابع تاریخی سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج را بیست و پنج<sup>۱۶</sup>، بیست و هشت<sup>۱۷</sup>، سی<sup>۱۸</sup>، سی و پنج<sup>۱۹</sup>، چهل<sup>۲۰</sup>،

---

<sup>۱۴</sup> . الطبقات الكبرى ج ۸ ص ۱۷۴ / اسد الغابه ج ۱ ص ۲۳ / انساب الاشراف ج ۱ ص ۹۸ / تاریخ الامم و الملوك

ج ۲ ص ۲۸۰

<sup>۱۵</sup> . مروج الذهب ج ۲ ص ۲۸۷

<sup>۱۶</sup> . دلائل النبوة ج ۲ ص ۷۱ / البداية و النهاية ج ۲ ص ۲۹۴ / السيرة الحلبیة ج ۱ ص ۲۰۴ / السيرة النبویة لابن

کنیر ج ۱ ص ۲۶۵

<sup>۱۷</sup> . المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۲۰۰ / شذرات الذهب فی أخبار من ذهب ج ۱ ص ۱۳۴ / انساب الاشراف

ج ۱ ص ۹۸ / سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۱۱۱ / بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۲

<sup>۱۸</sup> . السيرة الحلبیة ج ۱ ص ۲۰۴

<sup>۱۹</sup> . البداية و النهاية ج ۲ ص ۲۹۵ / السيرة النبویة لابن کنیر ج ۱ ص ۲۶۵ / السيرة الحلبیة ج ۱ ص ۲۰۴

<sup>۲۰</sup> . انساب الاشراف ج ۱ ص ۹۸ / السيرة الحلبیة ج ۱ ص ۲۰۴



چهل و چهار، چهل و پنج و یا چهل و شش سال دانسته‌اند.<sup>۲۱</sup>

دست یافتن به سن دقیق حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار است. با این وصف با در نظر گرفتن این که مدت زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها ۲۵ سال بوده است (۱۵ سال، قبل از بعثت<sup>۲۲</sup> و ۱۰ سال، بعد از بعثت)، و منابع تاریخی نیز سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام وفات را ۶۵ سال یا بنا بر ترجیح بیهقی ۵۰ سال گفته‌اند، به احتمال قوی سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق با یکی از این دو قول، ۴۰ یا ۲۵ سال بوده است.

اگر حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام وفات، ۵۰ ساله بوده، هنگام ازدواج باید ۲۵ ساله بوده باشد، نظری که برخی محققان آن را ترجیح داده‌اند. با توجه به این نکته که قاسم از حضرت خدیجه سلام الله علیها، پس از بعثت از دنیا رفته است،<sup>۲۳</sup> بدان معنی است که قاسم حداقل در ۵۵ سالگی حضرت خدیجه سلام الله علیها یا پس از آن به دنیا آمده باشد که حتی عادتاً هم بسیار بعید است.

این نظر به ضمیمه دیدگاه برخی علمای شیعه که حضرت خدیجه سلام الله علیها را هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله عذراء (دوشیزه) دانسته‌اند تقویت می‌شود؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد زنی همچون حضرت خدیجه سلام الله علیها با مقام و مکنت خود در قریش تا ۴۰ سالگی ازدواج نکرده باشد. بنابراین، قول مقبول، آن است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر بیست و پنج ساله و حداکثر بیست و هشت ساله بوده است همانطور که ابن عباس و جمعی از دانشمندان قائل هستند. و قول چهل سال، قولی شاذ است که به دروغ و به دست وقایع نگاران اموی وارد زندگی حضرت شده است تا پرده ای بر روی فضایل و مناقب والای حضرت انداخته و ایشان را زنی سالخورده معرفی کنند تا به زعم خویش مبادا رقیبی برای بعضی از همسران پیامبر پیدا شود.

نسبت چهل ساله بودن ام المؤمنین سلام الله علیها در هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین بیوه بودن ایشان یک تهمت ناروا است که با واقعیت زندگی ام المؤمنین سلام الله علیها فاصله بسیاری دارد. زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه ناسازگاری و منافات دارد و ثانیاً از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجاهت و اعتبار کافی می‌باشد که در ادامه به تفصیل این دو مورد می‌پردازیم:

---

۲۱. الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلی الله علیه و آله وسلم ج ۲ ص ۱۱۵ و ۱۱۶

۲۲. دلائل النبوة ج ۲ ص ۷۲

۲۳. البداية و النهاية ج ۲ ص ۲۹۴

مورد اول: ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری علیه و علی آباءه السلام عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان، یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی علیهم السلام می باشد. معنای اولیه‌ای که از این کلمه در ذهن وارد می شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن است که اگر چه معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، اما در برگیرنده تمام مفهوم آن نیست. کامل ترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است. خداوند در این آیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلیدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است که یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین به انجاس زمان جاهلیت می باشد که در این آیه به طور کلی این مساله نفی شده است. مؤید ما در این مدعی عباراتی است که در غالب زیارت نامه های وارده از معصومین آمده که فرموده اند:

«كنت نوراً فی اصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها؛<sup>۲۴</sup>

یعنی شما نوری بودید در صلبهای مردان بلند مرتبه و در رحم های زنان پاک که جاهلیت، شما را با آلودگی های خود نیالود.»

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت باشد در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از دایره دین خارج می شود. با بیان این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن ام المؤمنین سلام الله علیها واضح و آشکار است. زیرا بنا بر آنچه در تواریخ محرف در مورد ایشان وارد شده، ام المؤمنین سلام الله علیها قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با دو کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائذ مخزومی و ابو هاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند که این درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است.

زیرا ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج کرده و قابلیت مادری برای حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی علیهم السلام را از ایشان سلب می کند؛ به علت آنکه حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی علیهم السلام از مصادیق آیه تطهیر هستند و می بایست از هرگونه ناپاکی مبرا باشند که یکی از آن ناپاکی ها، آلودگی پدران و مادران ایشان به آلودگی های جاهلیت می باشد.

---

<sup>۲۴</sup>. مفاتیح الجنان: زیارت وارث / بحار الانوار ج ۹۸ ص ۲۰۰

مضافاً این که ام المؤمنین سلام الله علیها موحد و تابع شریعت ابراهیمی بوده‌اند. طبق شریعت‌های توحیدی ازدواج موحد با کافر و مشرک حرام است و اگر بر خلاف دستور دین چنین ازدواجی صورت بگیرد باطل محسوب می‌شود. با این حساب ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با عتیق و ابوهاله که دو کافر بت پرست بوده‌اند از لحاظ دینی حرام و در صورت وقوع آن، این نه ازدواج شرعی، بلکه امری غیر شرعی محسوب می‌شده است که این خود، نافی پاکی و طهارت است.

حال در اینجا افرادی که با توجه به تاریخ محرف، ازدواج‌های ام المؤمنین سلام الله علیها با عتیق و ابوهاله را مورد تایید قرار می‌دهند، مقابل دو قضیه متناقض قرار می‌گیرند؛ اول ادعای تاریخ مبنی بر ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با دو کافر که با قبول آن می‌بایست معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین علیهم السلام باشند، حال آنکه ایشان در واقع مادر این بزرگواران هستند. و دوم اصل اعتقادی عصمت برای معصومین علیهم السلام که به واسطه آن می‌بایست معتقد به پاکی پدران و مادران ایشان باشند. بنابراین با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است، زیر پا گذارده می‌شود و با قبول اصل عصمت، مسأله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال به نظر می‌آید.

آنچه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است این است که اولاً ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست مسئله‌ای مجعول است که به انگیزه‌های سیاسی - اعتقادی و برای ضربه زدن به اهل بیت عصمت و طهارت در تاریخ وارد کرده‌اند. چون دستشان از فضائل اهل بیت علیهم السلام کوتاه است و نمی‌توانند در ایمان و فضائل و مناقب بی‌شمارشان خدشه وارد کنند، می‌کوشند تا به زعم خود با ضربه زدن به پدران و مادران این بزرگواران از عظمت آنها بکاهند تا به این وسیله بتوانند فضیلت و مقامی را برای بزرگان خود بتراشند.

ثانیاً طهارت آباء و اجداد معصومین اصل ضروری دین است که اعتقاد به آن واجب و عدم اعتقاد به آن موجب خروج از دین می‌گردد. پس با این حساب در مواجهه این دو قضیه و موارد مشابه با آن آنچه مورد قبول واقع می‌شود، اصل اعتقادی و آنچه طرد می‌گردد، مسائل تاریخی متناقض با آن است و این نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام تنها راه فهم تحریفات وارد شده در تاریخ محرف و فرار از انحرافات عقیدتی است زیرا هدف دشمنان دین در مسأله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است که با نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در حین مطالعه و تحقیق آن، این تلاش آنان ناکارآمد می‌گردد.

مورد دوم: این مسئله از لحاظ تاریخی دارای اعتبار کافی نمی‌باشد.

اگر چه اعتقاد داشتن به ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با دو کافر در زمان جاهلیت، مغایر با اصول اعتقادی دین مبین اسلام است و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما اشاره به این مطلب نیز زیباست که منابع اولیه‌ای که این ادعا از آنان صادر گردیده، تمامی برگشت به اهل تسنن دارد و به طور حتم می‌توان گفت که در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی شیعه ردپایی از این ادعا یافت نمی‌شود که این خود جای تأمل بسیار دارد.

زیرا اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل تسنن اندک مراجعه ای داشته باشد متوجه می‌شود که این کتابها دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آنان نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل تسنن نیز مورد خدشه می‌باشد؛ به عنوان مثال در بین آن همه کتب روایی اهل تسنن، کتب صحاح از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین همه کتب صحاح، صحیح بخاری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به صورتی که اگر ادعا شود اهل تسنن بعد از قرآن، هیچ کتابی را به اندازه صحیح بخاری مورد توجه قرار نمی‌دهند، ادعای گزافی نیست، اما با این حال کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که بسیاری از احادیث آن را مورد خدشه قرار می‌دهد. زیرا احادیث مصنوعه، جعلی و نیز نقل های تاریخی محرف زیادی در این کتب وارد شده است که تعصب و عناد و دشمنی با اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌توان از مهمترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل های تاریخی به این کتب دانست.

حال با اوضاع وخیمی که در کتب روایی و تاریخی اهل تسنن دارد، دیگر روشن می‌شود که چرا نقل این مساله فقط از طریق اهل تسنن قابل تأمل می‌باشد. زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم دست به جعل و تحریف دین و تاریخ دین زدند که نتیجه آن را امروز می‌توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل تسنن مشاهده نمود.

البته ممکن است این اشکال مطرح شود که این مساله در برخی از کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب باید گفت:

اولاً نقل های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل تسنن فاقد وجاهت و اعتبار می‌باشد.

ثانیاً: بزرگان علما شیعه همانند سید مرتضی در الشافی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی و همچنین احمد بکری و بلاذری از علماء اهل تسنن در تصانیف خود زیر بار این مساله نرفته‌اند و عذراء بودن (باکره بودن) ام المؤمنین سلام الله علیها در حین ازدواج با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد

تاکید قرار داده‌اند.<sup>۲۵</sup> و چنانچه گفته شد، غواص دریای روایات اهل بیت عیهم السلام مرحوم علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب شریف بحارالانوار با ذکر روایتی سن ازدواج خدیجه کبری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ۲۸ سال بیان کرده است.

### مقدار مهریه حضرت خدیجه سلام الله علیها

در اینکه مهریه چقدر بود و پرداخت آن را چه کسی به عهده گرفت اختلافی در روایات دیده می‌شود.

کشف الغمه از ابن حماد و نیز از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها را با مهریه دوازده اوقیه طلا به ازدواج خویش در آورد و مهریه ی زنان دیگر آن حضرت نیز همین مقدار بود.<sup>۲۶</sup>

و در اعلام الوری طبرسی دوازده اوقیه و نیم ذکر شده چنانچه از دانشمندان اهل سنت نیز مؤلف سیره الحلبیه همین قول را نقل کرده و سپس گفته است که هر اوقیه چهل درهم است که در نتیجه مجموع مهریه پانصد درهم شرعی بوده است.<sup>۲۷</sup>

و تفاوت دیگری که در نقل سیره حلبیه دیده می‌شود آن است که گوید: پرداخت مهریه مزبور را ابوطالب به عهده گرفت.<sup>۲۸</sup> و قول دیگری که در سیره حلبیه و سیره ابن

---

۲۵. مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۱۳۸

۲۶. بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۹

۲۷. السیره الحلبیه ج ۱ ص ۲۰۲

۲۸. همان ص ۲۰۱

هشام و برخی از تواریخ دیگر آمده آن است که گفته اند:

«وَ أصدقَهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ - عِشْرِينَ بَكْرَةً»<sup>۲۹</sup>.

یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت خدیجه سلام الله علیها بیست شتر ماده ی جوان مهریه داد و در نقل دیگری نیز آمده که وَرَقَه بن نَوْفَل حضرت خدیجه سلام الله علیها را با مهریه ی چهارصد دینار به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آورد<sup>۳۰</sup> و از کامل مبرد نقل شده که بیست شتر را حضرت ابوطالب علیه السلام به عهده گرفت و دوازده اوقیه و نیم طلا را خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرداخت که مهریه مجموع آنها بود.<sup>۳۱</sup>

لکن روایاتی که در باب «مهر السنه» آمده همان روایت پانصد درهم را تایید می کنند، به این معنی که مهر حضرت خدیجه سلام الله علیها دوازده اوقیه و نیم بود چنانچه مهریه زنان دیگر آن حضرت نیز همین مقدار بود. در چند حدیث با اندک اختلافی آمده که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

«مَا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ - شَيْئاً مِنْ بَنَاتِهِ وَ لَا زَوَّجَ شَيْئاً مِنْ نِسَائِهِ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَةً وَ نَشَّ يَعْنِي نِصْفَ أَوْقِيَةٍ»<sup>۳۲</sup>.

یعنی تزویج نکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ یک از دختران خود و نه هیچ یک از زنانش را به بیش از دوازده اوقیه و نیم.

و در روایت امام صادق علیه السلام این گونه است که فرمود:

«مَا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ - شَيْئاً مِنْ نِسَائِهِ وَ لَا زَوَّجَ شَيْئاً مِنْ بَنَاتِهِ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَةً وَ نَشَّ وَ الْأَوْقِيَةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا وَ النَّشُّ عِشْرُونَ دِرْهَمًا»<sup>۳۳</sup>.

و در داستان ازدواج حضرت جواد الائمه علیه السلام با دختر مأمون عباسی نیز آمده که فرمود:

«وَ بذلت لها من الصداق ما بذله رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ - لازواجه و هو اثنتا عشرة اوقیه و نش - و علی تمام الخمس مائه...»<sup>۳۴</sup>

یعنی من صداق او را همان قرار دادم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زنانش بذل

۲۹. همان / سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۹۰ / تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس ج ۱ ص ۲۶۵

۳۰. بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۹

۳۱. منتقى القول ص ۱۳۹

۳۲. الكافی ج ۵ ص ۳۷۶

۳۳. معانی الاخبار ص ۲۱۴

۳۴. من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۹۸

فرمود و آن دوازده اوقیه و نیم بود که تمامی پانصد درهم بر ذمه من است.

## فرزندان حضرت خدیجه سلام الله علیها

همانطور که اشاره شد درباره حضرت خدیجه سلام الله علیها گفته‌اند که وی قبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو نفر به نام‌های عتیق بن عبد الله مخزومی و ابوهاله تمیمی ازدواج کرده بود و فرزندی از آنان نیز داشته است. وجوهی در بطلان این ادعاها از لحاظ اعتقادی و تاریخی بیان شد. در این بخش و در تکمیل مطالب گذشته وجوه دیگری در رد این ادعاها واهی را مطرح می‌کنیم چراکه بخش زیادی از این قبیل سخنان را طراحان سیاست با هدف زدودن هاله قداست و پاکی از رحم بانویی که ظرف وجود کوثر قرآن، فاطمه زهرا است ساخته‌اند و لذا دقت در این موضوع و نقد سخنان موجود در منابع تاریخی و حدیثی شک و شبهه را از بین می‌برد.

ابوالقاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت تصریح می‌کند که حضرت خدیجه سلام الله علیها، باکره بوده است، وی در کتابش می‌نویسد: وکانت خدیجة امرأة باکره ذات شرف و مال کثیر و تجارة تبعث بها إلى الشام فتکون غیرها کعامه غیر قریش.<sup>۳۵</sup> حضرت خدیجه، زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیاری بود، کاروان تجاری‌اش را به سوی شام می‌فرستاد و کاروان او به اندازه تمام کاروان قریش بود.

ابوالقاسم کوفی از علمای شیعه، در این باره استدلال جالبی کرده است که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می‌کنیم. وی در کتاب الإستغاثه می‌نویسد: مورخان و محدثان شیعه و سنی بر این مطلب اتفاق دارند که کسی از بزرگان، اشراف، رؤسا و جوانمردان قریش باقی نماند؛ مگر این که از حضرت خدیجه سلام الله علیها خواستگاری کرد و ازدواج با ایشان را آرزو می‌کرد؛ اما حضرت خدیجه کبراسلام

---

۳۵. دلائل النبوة لاسماعیل الاصبهانی ص ۱۷۸

الله علیها دست رد بر سینه همه آنها زد؛ ولی وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد، تمام زنان قریش از او فاصله گرفته و رفت و آمد با وی را ترک کردند و گفتند: تو پیشنهاد سران قریش را رد کردی و تن به همسری کسی دادی که فقیر است و مال و ثروتی ندارد؟! با این حال چگونه اهل فهم می توانند بپذیرند که حضرت خدیجه با یک اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کرده باشد؛ اما خواستگاری بزرگان قریش را نپذیرفته باشد؟ آیا صاحبان فکر و اندیشه نمی دانند که این مطلب از آشکارترین محالات و ناپسندترین گفتارها است، وقتی برای اهل تحقیق این مطلب ثابت شود، ثابت می شود که حضرت خدیجه با کسی غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج نکرده است.<sup>۳۶</sup>

و نیز می توان این سؤال را از اهل تحقیق پرسید که اگر خدیجه قبل از ازدواج با رسول خدا با یک نفر اعرابی از قبیله تمیم ازدواج کرده بود، آیا موردی برای این سرزنش ها پس از ازدواج با رسول خدا باقی می ماند؟ و آیا ازدواج زنی بیوه و شوهر دیده به این اندازه برای تمام مردم مکه مهم بود که بر اساس همین نقل تمام همسران اشراف قریش با وی قطع رابطه کنند؟ اگر خدیجه شایسته ملامت و سرزنش بود پس چرا (در صورت صحت) هنگام ازدواج با افرادی که در تاریخ ثبت شده که یکی از آنها اعرابی بوده که شغل او گور کنی بوده و دیگری اعرابی که شغل او خارکنی بوده است که طبعاً هیچکدام از هیچ امتیازی بر خوردار نبوده اند ملامت و سرزنش نشد؟

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی خدیجه سلام الله علیها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به همسری برگزید، زنان مکه به دلیل دشمنی با آن حضرت، از او دور شدند، آنان نه تنها به خدیجه سلام الله علیها، سلام نمی کردند، حتی از رفت و آمد زنان دیگر با او هم جلوگیری می نمودند. به این ترتیب وحشتی عجیب بر وجود خدیجه سلام الله علیها مستولی شد. البته او بیشتر از این می ترسید که به پیامبر صلی الله علیه و آله آسیبی برسانند. وقتی خدیجه سلام الله علیها به فاطمه سلام الله علیها حامله شد، فاطمه سلام الله علیها در شکم مادر با او سخن می گفت و مونس مادر بود و او را به صبر توصیه می فرمود. اما خدیجه سلام الله علیها این حالت را از پیامبر صلی الله علیه و آله مخفی می داشت تا آن که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل شد و شنید که خدیجه سلام الله علیها با کسی سخن می گوید. حضرت صلی الله علیه و آله به اطراف نگریست، اما کسی را ندید، پرسید: ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه سلام الله علیها در پاسخ به کودکی که در شکم داشت اشاره کرد و گفت: فرزندی که در شکم دارم، با من سخن می گوید و مونس من است. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:



در همین لحظه جبرئیل به من خبر داد که این فرزند دختر است. او و نسل او طاهر، بابرکت و خجسته است و خداوند، نسل مرا از او به وجود خواهد آورد. از نسل او امامان دین متولد می‌شوند و حق تعالی بعد از قطع وحی، آن‌ها را جانشین خود در زمین قرار می‌دهد.<sup>۳۷</sup>

مطلب دیگری که در این باره باید به آن دقت کرد اختلاف در اسامی شوهرانی است که برای آن حضرت ذکر شده که در آن چند ابهام وجود دارد که صحت آن را دچار خدشه و تردید می‌کند:

(الف) آیا نام شوهر حضرت خدیجه ابوهاله نباش بن زراره است یا زراره بن نباش یا هند یا مالک؟ چون در تاریخ اختلاف زیادی در اسامی او وجود دارد، برخی او را ابو هاله بن زراره بن نباش دانسته و برخی ابوهاله نباش بن زراره دانسته‌اند و برخی ابوهاله مالک بن نباش تمیمی و بعضی هند دانسته‌اند!

(ب) آیا ابتدا با ابوهاله ازدواج کرد یا با عتیق؟! چون هر دو را گفته‌اند.<sup>۳۸</sup>

\*حال سوالی که پیش می‌آید این است که فرزندی که در برخی منابع برای حضرت خدیجه ذکر شده است وضعیت آنها چگونه است؟ در پاسخ باید گفت هیچکدام از آنها فرزندان حضرت خدیجه نبوده‌اند.

توضیح مطلب اینکه طبق نقل مورخین<sup>۳۹</sup>، خدیجه خواهری بنام هاله داشته است که با مردی مخزومی ازدواج کرده بود و از وی فرزندی همانام مادرش یعنی هاله داشت سپس با مردی تمیمی بنام ابوهند ازدواج کرد که از وی نیز فرزندی بنام هند داشت، این مرد تمیمی همسر دیگری و از آن همسر دو دختر به نامهای رقیه و زینب داشت، مادر این دو دختر از دنیا رفت و پس از وی پدر دو دختر از دنیا رفت، هند فرزند هاله به خانواده شوهرش سپرده شد و هاله با این دو دختر که از همسر دیگر شوهرش بودند به خانه خدیجه آمدند و وی سرپرستی آنان را به عهده گرفت و پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه وآله این دو دختر نزد خدیجه و رسول خدا بودند و در دامن این دو تربیت شدند و عنوان ربیبه رسول خدا صلی الله علیه وآله را گرفتند و بر اساس رسم عرب ربیبه را مانند دختر تلقی می‌کردند و به همین جهت آنان را دختران خدیجه و رسول خدا علیهما السلام می‌دانستند.<sup>۴۰</sup>

از مطالب فوق روشن می‌شود که حضرت خدیجه تنها فرزندی که از خود به یادگار گذاشت

---

۳۷. دلایل الامامة ص ۷۷

۳۸. الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلی الله علیه و آله ج ۲ ص ۱۲۲

۳۹. ان النبي صلی الله علیه و آله تزوج بها و كانت عذراء، يؤكد ذلك ما ذكر في كتابي الأنوار والبدع ان رقیة و زینب

كانتا ابنتی هاله أخت خدیجة. مناقب آل أبي طالب ج ۱ ص ۱۳۸

۴۰. الاستغاثة ج ۱ ص ۶۸ و ۶۹

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بوده و در تایید این سخن، روایتی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله که خطاب به امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: یا علی خدای تعالی سه گونه موهبت به تو عنایت فرموده است که به من و هیچیک از مردم، عنایت نفرموده است: ۱- پدر زنی مانند من به تو ارزانی داشته است که به من عنایت نکرده است؛ ۲. همسر پاکیزه گوهر راستگو و راست رو به تو مرحمت داشته است که به من عنایت نفرموده است؛ ۳. حسن و حسینی از پشت تو به وجود آورده است که چنان دو فرزندی از پشت من بوجود نیاورده است؛ آری! من از شمایم و شما از من هستید.<sup>۴۱</sup>

در این روایت پیامبر اکرم به صراحت می‌فرمایند که به احدی غیر از امیرالمومنین علی علیه السلام پدر زنی مثل من داده نشده است. ولذا به نظر این حقیر معلوم می‌شود که پیامبر دختر دیگری نداشته است و گرنه چنین سخنی نمی‌فرمودند.

برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة اثر مرحوم سید حسن امین مراجعه کرد که به نقل از آل یاسین به دلیل تشتمت و اختلاف در اسناد تاریخی، جز فاطمه دختر دیگری برای خدیجه از پیامبر قائل نیست. و همچنین این نظر را مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب ربائب الرسول صلی الله علیه و آله: شبهات و ردود و کتاب البنات ربائب: قل هاتوا برهانکم؛ با تفصیل بیشتری مورد تاکید قرار داده است.

در برخی منابع از سه یا چهار پسر یاد شده که ظاهراً القاب عبدالله، یعنی طیب و طاهر، اسامی جداگانه‌ای در نظر گرفته شده‌اند.<sup>۴۲</sup>

مورخان می‌گویند: پسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی قاسم که کنیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز از نام او بود و عبدالله ملقب به طاهر یا طیب در خردسالی و یکی پیش از بعثت و دیگری اندکی بعد از آن درگذشتند.

یعقوبی در کتاب تاریخ خود درباره وفات قاسم فرزند رسول خدا این چنین می‌نویسد:

قاسم فرزند رسول خدا درگذشت پس رسول اکرم در تشییع جنازه او در حالی که به کوهی از کوه‌های مکه نگریست گفت: یا جبل لو ان ما بی بک لهدک، «ای کوه اگر آنچه به من رسید، به تو می‌رسید تو را خورد می‌کرد».

قاسم در هنگام وفات چهار ساله بود و پس از یک ماه عبدالله که از شیر باز نشده بود، وفات کرد.

---

۴۱. جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی علیه السلام ج ۱ ص ۲۰۹

۴۲. السیر و المغازی ص ۲۴۵

پس حضرت خدیجه علیها السلام گفت:

ای رسول خدا، کاش زنده می ماند تا او را از شیر می گرفتم. فرمود: فان فطامه فی الجنة، «از شیر گرفتن او در بهشت خواهد بود». خدیجه از رسول خدا پرسید که فرزندان من از تو کجايند؟ فرمود: فی الجنة «در بهشت». گفت: بدون عمل؟ فرمود: الله اعلم بما کانوا یعملون، «خدا بانچه عمل می کردند، داناتر است».<sup>۴۳</sup>

این موضوع نشان می دهد هر دو پسر نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها در سن کودکی و شیرخوارگی از دنیا رفته اند. دلیل دیگر اثبات این قضیه نیز انتساب عنوان ابتر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از سوی کفار بود که چون پسرانش زود از دنیا می رفتند این چنین او را مورد استهزاء قرار می دادند.

## جریان ازدواج عثمان با دو دختر رسول الله صلی الله علیه و آله

یکی از مسائلی که به مبحث فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها مرتبط است مساله یکی از فضیلت هایی است که برای عثمان بن عفان نقل کرده اند، که همان ازدواج با دو دختر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم؛ رقیه و ام کلثوم است. اهل سنت با قاطعیت تمام بر آن پافشاری می کنند؛ اما با توجه به مطالبی که بیان شد واضح است که همسران عثمان هیچ کدامشان دختر پیامبر نبودند؛ بلکه رقیه و آن حضرت و دختران خواهر حضرت خدیجه سلام الله علیها بوده اند. لکن اهل سنت برای بزرگ جلوه دادن و با فضیلت نشان دادن ائمه خود در مقابل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مجبور به فضیلت تراشی برای آنها هستند.

---

<sup>۴۳</sup>. تاریخ یعقوبی ترجمه آیتی ج ۱ ص ۳۹۰

در رد این ادعای واهی دلائل و شواهد دیگری وجود دارد که ما برای عدم اطاله نوشتار این دلائل را به صورت مختصر نقل، و قضاوت را به عهده خوانندگان گرامی وا می‌گذاریم.

## ۱. عدم وجود رابطه صمیمانه بین پیامبر و دیگر دختران آن حضرت:

با رجوع به سیره نبی مکرم اسلام و دقت در آن، در می‌یابیم که روایات بسیاری از رابطه بسیار صمیمانه نبی مکرم اسلام و دختر بزرگوارش صدیقه طاهره سلام الله علیها حکایت می‌کند؛ تا جایی هر زمانی پیامبر اسلام به سفر می‌رفت، آخرین کسی که با او خدا حافظی می‌کرد، فاطمه زهرا بود و وقتی از سفر بر می‌گشت، قبل از هر کاری به دیدار فاطمه می‌رفت و در خانه او را می‌زد. روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و سنی این رابطه بسیار صمیمانه را ثابت می‌کند؛ از جمله بسیاری از علمای شیعه و سنی یکی از القاب آن حضرت را «ام ابیها» نقل کرده‌اند.<sup>۴۴</sup>

اما هیچ روایتی؛ حتی یک روایت ضعیف نیز در کتاب‌های شیعه و سنی نقل نشده است که پیامبر اسلام حتی یکبار در خانه رقیه و ام کلثوم را زده باشد. چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم این رابطه بسیار صمیمانه را با دیگر دختران خود نداشته است؛ نه در مدینه و نه حتی در مکه؟ مگر نه این که به ادعای اهل سنت آن‌ها نیز یادگار خدیجه بودند؟

## ۲. چرا هیچ کس از دیگر دختران پیامبر خواستگاری نکردند؟

قضیه دیگری که بطلان این قضیه را روشن می‌کند، این است که در هیچ جایی از تاریخ ثبت نشده است که در مدینه، احدی از مهاجرین و یا انصار به خواستگاری ام کلثوم رفته باشد؛ با این که برای خواستگاری از فاطمه زهرا و رسیدن به افتخار دامادی پیامبر، بر یکدیگر پیش دستی می‌کردند و هر کس دوست داشت این افتخار نصیب او شود. آیا ام کلثوم دختر پیامبر نبود یا اصلاً چنین دختری وجود خارجی نداشت؟

## ۳. تناقضات سخنان علمای اهل سنت

ضیاء الدین مقدسی در کتاب خود آورده است که:  
قتاده گفته است: خدیجه برای نبی مکرم اسلام، در عهد جاهلیت، عبد مناف را به دنیا آورد و بعد

---

<sup>۴۴</sup>. الإصابه ج ۸ ص ۲۶۲

از اسلام، دو پسر و چهار دختر به نام های: قاسم - به خاطر او کنیه پیامبر را «ابوالقاسم» گذاشتند، آن قدر زنده بود که می توانست راه برود بعد از آن فوت کرد - و عبد الله که خردسال فوت کرد، و ام کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه را به دنیا آورد.<sup>۴۵</sup>

شهاب الدین قسطلانی بعد از نقل سخن مقدسی می نویسد:

گفته اند که که خدیجه قبل از مبعث یک پسر برای او به دنیا آورد که به او عبد مناف می گفتند، غیر از عبد مناف بقیه فرزندان پیامبر بعد از مبعث متولد شده است.<sup>۴۶</sup>

و ابن عبد البر در الاستیعاب می نویسد:

زبیر گفته: نخستین فرزند رسول خدا که به دنیا آمد، قاسم بود و او از همه بزرگتر بود، پس او زینب، و پس از وی عبد الله که به وی طیب و یا طاهر نیز می گفتند بعد از نبوت متولد شد، پس از آن ام کلثوم، سپس فاطمه و پس از وی رقیه به دنیا آمدند.<sup>۴۷</sup>

از طرف دیگر نوشته اند که رقیه، کوچکترین دختر رسول خدا و حتی از حضرت زهرا سلام الله علیها نیز کوچکتر بوده است. چنانچه ابن کثیر دمشقی می نویسد:

بزرگترین فرزند، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قاسم، و پس از آن، زینب، عبد الله، ام کلثوم، فاطمه و پس از آن رقیه بوده است.<sup>۴۸</sup>

با این تفصیل، چگونه می توان این سخن اهل سنت را تصدیق کرد که رقیه با عثمان ازدواج کرده، بعد با او به حبشه مهاجرت نموده و حتی در داخل کشتی فرزندى از او سقط شده است!!! با این که می دانیم، هجرت اول به حبشه در سال پنجم بعد از بعثت بوده است.

و همچنین بسیاری از علمای اهل سنت نوشته اند که ام کلثوم رقیه قبل از این که با عثمان ازدواج کند در عقد پسران ابی لهب بوده اند و بعد از آن که سوره تبت در حق ابی لهب نازل شد، وی به فرزندانش دستور داد که دختران رسول خدا را طلاق بدهند. ابن اثیر در اسد الغابة می نویسد:

رسول خدا، دخترش رقیه را به عتبه پسر ابی لهب و ام کلثوم را به عتیه پسر دیگر ابولهب داد، وقتی سوره تبت نازل شد، ابولهب و همسرش ام جمیل که همان «حمالة الحطب» باشد، به پسرانش

---

۴۵. البدء والتاریخ ج ۵ ص ۱۶ و ج ۴ ص ۱۳۹

۴۶. المواهب اللدنیة ج ۱ ص ۴۷۸

۴۷. الاستیعاب ج ۴ ص ۱۸۱۸

۴۸. البدایة و النهایة ج ۲ ص ۲۹۴

دستور دادند که دختران محمد را طلاق دهند. پس آن‌ها را طلاق دادند ...<sup>۴۹</sup>

در حالی که می‌دانیم ، سوره تبت در زمانی نازل شده است که مسلمین در شعب اُبی طالب در محاصره بودند. سیوطی در الدر المنثور می‌نویسد:

وأخرج أبو نعيم في الدلائل عن ابن عباس قال ما كان أبو لهب إلا من كفر قريش ما هو حتى خرج من الشعب حين تمالأت قريش حتى حصرونا في الشعب وظاهرهم فلما خرج أبو لهب من الشعب لقي هنداً بنت عتبة ابن ربيعة حين فارق قومه فقال يا ابنت عتبة هل نصرت اللات والعزى قالت نعم فجزاك الله خيراً يا أبا عتبة قال إن محمداً يعدنا أشياء لا نراها كائناً يزعم أنها كائناً بعد الموت فما ذاك وصنع في يدي ثم نفخ في يديه ثم قال تبا لكما ما أرى فيكما شيئاً مما يقول محمد فنزلت تبت يدا أبي لهب قال ابن عباس فحصرنا في الشعب ثلاث سنين وقطعوا عنا الميرة حتى أن الرجل.<sup>۵۰</sup>

و محاصره در شعب اُبی طالب در سال ششم هجری و بعد از هجرت به حبشه بوده است.

با این حال چگونه می‌توان تصدیق کرد که همسر عثمان دختر پیامبر بوده است؟

#### ۴ . مقایسه امیرالمومنین علیه السلام و عثمان توسط عبدالله بن عمر

محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد ، شخصی پیش عبد الله بن عمر آمد و از او سؤالاتی کرد؛ از جمله نظر او را در باره عثمان و امیرالمومنین امام علی علیه السلام پرسید، وی در مقایسه بین عثمان و حضرت علی علیه السلام می‌گوید:

اما عثمان، خداوند از گناه او (فرار عثمان در جنگ احد) درگذشت؛ ولی شما دوست ندارید که او را ببخشید، اما علی علیه السلام پس او پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و داماد او است.<sup>۵۱</sup>

ملاحظه می‌فرمایید که دفاع عبد الله بن عمر از عثمان فقط در این مطلب خلاصه می‌شود که خداوند از گناه فرار وی در جنگ احد درگذشته است؛ ولی صحابه‌ای که علیه او خروج کردند، او را نبخشیده و عثمان را کشتند؛ ولی این که عثمان داماد پیامبر نیز باشد، متذکر نمی‌شود. اما نسبت به امیر

---

۴۹ . أسد الغابة ج ۶ ص ۱۱۴

۵۰ . الدر المنثور ج ۸ ص ۶۶۵

۵۱ . صحيح البخاری ج ۶ ص ۲۶

المؤمنین علیه السلام استدلال می‌کند که او پسر عمومی پیامبر و داماد آن حضرت است .  
اگر عثمان داماد پیامبر بود ، باید ابن عمر به آن استدلال می‌کرد ؛ زیرا وی تمام تلاش خود را می‌کند که در برابر هر نوع تهمت را از عثمان دفع کند و معنا ندارد که وقتی دلیل قویتری همانند دامادی پیامبر وجود دارد، وی به دلیل سخیف و ضعیف استدلال کند؛ زیرا عفو خداوند فقط شامل کسانی می‌شود که بعد از فهمیدن زنده بودن پیامبر از فرار دست کشیده و برگشتند و شامل عثمان که بعد از سه روز برگشت، نمی‌شود. حتی اگر فرض کنیم که عفو خداوند شامل عثمان نیز می‌شود، سبب نخواهد شد که خداوند تمامی گناهان او را که حتی بعد از آن نیز انجام داده بخشیده باشد؛ بلکه حداکثر شامل فرار او در همان جنگ می‌شود.

بنابراین شایسته بود که اگر دامادی عثمان صحت داشت، به آن استناد می‌کرد.

## ۵ . سخن حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه

حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از غضب فدک توسط ابوبکر به مسجد آمد و خطبه غرائی خواند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. آن حضرت در بخش‌های از این خطبه می‌فرماید:  
أنا فاطمة بنت محمد أقول عودا علی بدء، وما أقول ذلک سرفا ولا شططا... فإن تعزوه تجدوه أبی دون نساءکم وآخا ابن عمی دون رجالکم ، فبلغ الرسالة صادعا بالرسالة ناکبا عن سنن مدرجة المشرکین، ضاربا لثجهم آخذا بأکظامهم، داعیا إلى سبیل ربه بالحکمة والموعظة الحسنه.<sup>۵۲</sup>  
ای مردم آگاه باشید که من فاطمه و پدرم محمد است، گفتارم تماما یک نواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است... اگر تحقیق کنید (پیامبر اسلام) پدر من بود نه پدر زنان شما، و در عقد اخوت پسر عمومی من بود نه شما.  
اگر زنان عثمان دختران پیامبر بودند، نباید فاطمه زهرا سلام الله علیها که سرور زنان بهشت است، چنین سخنی بگوید و از طرف دیگر عثمان نیز می‌توانست به این سخن حضرت اعتراض کند که زنان من نیز دختران پیامبر بودند.

## القاب گرامی حضرت ام المومنین خدیجه کبری سلام الله علیها

برای امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها القاب فراوانی است که از عظمت بیکران و قداست بی پایان آن حضرت حکایت می‌کند، که از آن جمله است:

۱. امّ المؤمنین:

همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در رأس آنها حضرت خدیجه سلام الله علیها در منطق قرآن «ام المؤمنین» لقب یافته‌اند، ولی به تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وی برترین و بهترین آنان می‌باشد و بعضی‌ها هم به دلیل بی تقوائی از امهات مؤمنین خارج شدند.

۲. طاهره:

مشهورترین لقب حضرت خدیجه سلام الله علیها در عصر جاهلیت «طاهره» بود زیرا او پاک‌ترین و عقیف‌ترین بانوی آن دوران بود. چرا که آن حضرت با آنکه در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی زندگی می‌کرد، اما این امکانات هرگز نتوانست آن جوان پاک‌منش را دست‌خوش غفلت و یا مستی کند. او با آنکه قبل از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله مدیریت یک سازمان بزرگ اقتصادی را برعهده داشت و ده‌ها مرد در تشکیلات او بودند، مگر به قدر ضرورت با آنان برخورد نمی‌کرد و دامان عفاف را حفظ می‌کرد. در شب‌نشینی‌های گناه‌آلود اشراف شرکت نکرده و خود را آلوده نمی‌ساخت و به هیچ‌وجه روش منحط جامعه را نمی‌پذیرفت و ذره‌ای به رسوم رایج دل نمی‌داد. هرگاه زنی یا دختری به دنبال کمال و معنویت بود، به‌سرای او می‌شتافت و از وی درس می‌آموخت.

۳. صدیقه:

در فرازی از زیارتنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام درود بر زوجات طاهرات، از حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان «الصدیقه» تعبیر شده و این واژه در قرآن یکبار به کار رفته و آن هم در مورد حضرت مریم و حضرت صادق علیه السلام آن را به معنای معصوم بیان فرموده است.

۴. مبارکه:

خداوند منّان به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانوی مبارکه است عبدالله بن سلیمان نیز این معنی را از «انجیل» روایت کرده است.

۵. بانوی بانوان

امیرمؤمنان علیه السلام در چکامه‌ای که به عنوان سوگنامه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها سروده‌اند، از او به عنوان «سیده النّسوان»، بانوی بانوان تعبیر کرده‌اند. امام صادق علیه السلام نیز از او



به «سیده قریش» یاد کرده‌اند. اسماء بنت عمیس نیز او را «سیده نساء العالمین» می‌خواند و در عهد جاهلی ایشان را «سیده نساء القریش» می‌خواندند.

۶. دیگر القاب

در زیارتنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان: راضیه، مرضیه و زکیه نیز تعبیر شده است. یتیمان او را «أمّ الیتامی» ، بینوایان او را «أمّ الصعالب»، مؤمنان او را «أمّ المؤمنین» و کوثر جاری خلقت نیز او را «أمّ الزهراء» یا سرچشمه کوثر می‌دانستند.

## فضائل ام المومنین خدیجه کبری سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها در قرآن

سوره فرقان آیه ۷۴

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرامی در تفسیر این آیه فرمود:

پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟

پاسخ داد: خدیجه علیها السلام است. و «ذریاتنا» فاطمه علیها السلام و دو نور دیده اش حسن و حسین علیهما السلام هستند و در جمله ی «و اجعلنا للمتقین اماما» منظور حضرت علی علیه السلام است.

مرحوم «فیض کاشانی» در تاویل همین آیه می نویسد: «منظور از آن، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار صلی الله علیه و آله از او است.

و تفسیر قمی نیز بر آن است که منظور از واژه ی «ازواجنا» در آیه ی مورد بحث حضرت خدیجه علیها السلام است.

### سوره ضحی آیه ۸

«وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي»

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟!

مرحوم شیخ صدوق(ره) در تفسیر این آیات می نویسد: بدان دلیل آن حضرت «یتیم» خوانده شد که در کران تا کران هستی بی نظیر و تک مسخه است، چرا که این واژه به مفهوم بی همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمتهای گرانس به او و می پرسد: آیا خدایت تو را تک نسخه و بی همانند نیافت؛ و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟! و تو را تنگدست یافت، و به وسیله ی ثروت هنگفت خدیجه علیها السلام بی نیاز گردانید.

بسیاری از مفسران بر آنند که توانگری پیامبر صلی الله علیه و آله به مال خدیجه علیها السلام بوده است و خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه و احسان او یاد فرموده است.

### سوره مطففین آیات ۲۸-۱۸

«كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ \* وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ \* كِتَابٌ مَرْقُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ \* إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* عَلَى الْأُرَائِكِ يَنْظُرُونَ \* تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ \* يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ \* خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ \* وَ مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»

چنان نیست که آنها (درباره معاد) می پندارند، بلکه نامه اعمال نیکان در «علیین» است! \* و تو چه می دانی «علیین» چیست! \* نامه ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی، \* که مقربان شاهد آند! \* مسلماً نیکان در انواع نعمت اند: \* بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند! \* در چهره هایشان طراوت و نشاط نعمت را می بینی و می شناسی! \* آنها از شراب (طهور) زلال دست نخورده و سربسته ای سیراب می شوند! \* مهری که بر آن نهاده شده از مشک است و در

این نعمتهای بهشتی راغبان باید بر یکدیگریشی گیرند! \* این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، \* همان چشمه ای که مقربان از آن می نوشند.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمودند: مقربان بارگاه خدا و پیشتازان راه عدالن و آزادی عبارتند از: پیامبر، امیرمومنان، امامان اهل بیت، که پس از علی علیه السلام یکی پس از دیگری خواهد آمد، فاطمه دختر رسول الله و خدیجه بنت خویلد.

### سوره آل عمران آیه ۳۳

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

پیامبر فرمود: ای عایشه آیا نمی دانی که خدا آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران و وجود امیرالمومنین، حسن و حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه علیها السلام را بر جهانیان برگزید.

### سوره آل عمران آیه ۴۲

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است همانگونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه علیها السلام نیز بر زنان امت من برتری داده شد.

### سوره فاطر آیات ۱۹-۲۲

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ \* وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ \* وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ \* وَ مَا يَسْتَوِي

الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ \* وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ»

و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، \* و نه ظلمتها و روشنایی، \* و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! \* و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی!

علامه متبحر سید هاشم بحرانی از طریق مخالفین (اهل سنت) درباره قول خداوند «و ما يستوی

الاعمى و البصير» از ابن عباس نقل می کند که گفت: منظور از کور و کوردل ابوجهل می باشد و منظور از صاحب بصیرت و بینش امیرالمومنین است. منظور از ظلمات و تیرگی ها، ابوجهل و منظور از نور و روشنایی امیرالمومنین علیه السلام است. منظور از سایه ی دل انگیز و آرام بخش سایه ای است در بهشت برای امیرمومنان و منظور از گرمای سخت و مرگبار آتش شعله دوزخ، ابوجهل می باشد.

سرانجام در مورد آیه «ما یستوی الاحیاء و لا الاموات» گفت: منظور از احیاء حقیقی در این آیه حضرت علی، حمزه، جعفر و حسن و حسین، فاطمه، و خدیجه علیها السلام می باشند و منظور از مردگان، کفار مدینه می باشند.

#### سوره اعراف آیه ۴۶-۵۰

«وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ \*.....»

و در میان آن دو [بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند و به بهشتیان صدا می زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن را دارند. \* و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» \* و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!» \* آیا اینها [این واماندگان براعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند به خاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید هم اکنون به آنها گفته می شود): داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید! \* و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زنند که: «(محبت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!»

از امام صادق علیه السلام در مورد حجاب میان بهشتیان و دوزخیان پرسیده شد، که فرمود: منظور از آن گذرگاه و دژ بلندی است میان بهشت و دوزخ که بر فراز آن، پیامبر، علی، حسن، حسین، فاطمه و خدیجه علیهم السلام قرار دارند و از آنجا ندا می دهند که: «دوستداران و شیعیان ما کجا هستند؟ آنگاه دوستان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام به سوی آنان می روند و آنان را با نام و نام خانوادگی شان می شناسند و دست آنها را می گیرند و از آن گذرگاه سخت می گذرانند و وارد بهشت می نماید.

## اولین زن مسلمان

مورخانی همچون ابن اسحاق، ابن هشام، ابن سعد، بلاذری، بیهقی در قرن پنجم و ابن کثیر در قرن هشتم<sup>۵۳</sup> و... حضرت خدیجه را اولین مسلمان معرفی کرده‌اند. همچنین برخی مورخان اجماع مسلمانان را بر این دانسته‌اند که حضرت خدیجه اولین ایمان آورنده به پیامبر اسلام بوده است.<sup>۵۴</sup>

## حامی رسالت و محب امامت

چهار زن در این دنیا به حد کمال رسیده‌اند و به عنوان زنان نمونه و شایسته هستی شناخته شدند: آسیه، مریم، خدیجه، فاطمه سلام الله علیها. از مهمترین اشتراکات این چهار زن، حمایت و اطاعت از رهبری و پیشوایان زمان خود بوده است. آسیه تا پای جان از رهبری و رسالت موسی علیه السلام حمایت نمود، مریم با تحمل تهمت و رنج‌ها پایه‌های رسالت عیسی علیه السلام را محکم نمود، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها تا مرز شهادت از امام خویش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پشتیبانی و دفاع نمود و سرانجام شهید راه امامت و ولایت گشت.

و اما ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها از حامیان راستین رسالت بود. او نیز جان و مال خویش را تقدیم رسالت نمود. او هم رسالت مدار بود و هم امامت محور. هم حامی و همگام رسالت بود و هم محب و طرفدار امامت.

در مورد محبت و ارادت حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به حضرت علی علیه السلام، مرحوم مجلسی رحمه الله چنین نقل می‌کند: «پس از ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه سلام الله علیها [و به دنیا آمدن حضرت علی علیه السلام]، حضرت خدیجه سلام الله علیها را از دوستی و محبت علی علیه السلام خبر داد و حضرت خدیجه سلام الله علیها پس از آن [به حضرت علی علیه السلام محبت فراوان داشت] و برای آن حضرت به وسیله خدمتکارانش لباس، زیورآلات، کنیز و ملزومات می‌فرستاد؛ به گونه‌ای که مردم می‌گفتند: علی برادر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و محبوبترین افراد نزد اوست و نور چشم خدیجه به حساب می‌آید... الطاف و محبت‌های

<sup>۵۳</sup>. السیر و المغازی ص ۱۳۹ / سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۴۴ / الطبقات الكبرى ج ۳ ص ۱۵ / انساب الاشراف ج ۱

ص ۱۱۲ / دلائل النبوة المقدمة ص ۲۴ / البداية و النهاية ج ۳ ص ۲۶

<sup>۵۴</sup>. الكامل فی التاريخ ج ۱ ص ۶۵۰ / تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۰۷

حضرت خدیجه سلام الله عليها صبح و شام به خانه حضرت ابوطالب علیه السلام روان بود.<sup>۵۵</sup> هنگام ولادت حضرت فاطمه سلام الله عليها، امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله عليها بیشتر با ولایت آشنا گشت؛ چرا که دخترش حضرت زهرا سلام الله عليها هنگام ولادت، بعد از شهادت به توحید و رسالت، این گونه شهادت داد:

«وَ أَنْ بَعَلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ لَوْلَدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ»<sup>۵۶</sup>

و به راستی همسر سید اوصیا و فرزندانم سید و سالار نوادگان رسول خدا هستند.» علاوه بر این حضرت خدیجه سلام الله عليها ولایت حضرت علی و فرزندان او: را صریحاً پذیرفته بود، با آنکه در آن زمان امامت حضرت هنوز به فعلیت نرسیده بود. «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت خدیجه سلام الله عليها را نزد خود خواست و فرمود: این جبرئیل است و می گوید: برای اسلام شروطی است:

اول: اقرار به یگانگی خداوند.

دوم: اقرار به رسالت پیامبران.

سوم: اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شرع.

چهارم: اطاعت اولی الامر [یعنی علی] و ائمه طاهرین از فرزندان او و برائت از دشمنان آنها.»

حضرت خدیجه سلام الله عليها هم به آنها اقرار نمود و آنها را تصدیق کرد.

در خصوص امامت امیرمؤمنان، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت خدیجه سلام

الله عليها فرمود:

«هُوَ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي»<sup>۵۷</sup>

علی مولای تو و مولای تمام مؤمنان و امام آنها پس از من است.»

آنگاه دست خود را بالای دست امیرمؤمنان گذاشت و امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله عليها دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و این گونه بیعت ابدی و ولایتمداری را انجام داد.

امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب علیه السلام از سن شش سالگی در خانه پیامبر تحت مراقبت

۵۵. محلاتی، ریاحین الشریعه ج ۲ ص ۲۰۹

۵۶. اشتهاودی، محمد مهدی، خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار ص ۱۸۶

۵۷. الصراط المستقیم ج ۲ ص ۸۸ / الشیعه الفرقة الناجیه ج ۲ ص ۴۸۶

ام‌المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند و لذا حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به آن حضرت حق پرورش و مادری داشت، هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام منیع ولایت را به حضرت خدیجه سلام الله علیها بیان نمودند و از او درخواست کردند که به ولایت امیرمؤمنان معتقد شود، حضرت خدیجه سلام الله علیها با صراحت تمام عرضه داشتند: من به ولایت علی علیه السلام ایمان آوردم و بیعت نمودم.

مهرورزی حضرت خدیجه سلام الله علیها به حضرت علی علیه السلام در سطحی بود که در وصف امیرمؤمنان علیه السلام آورده‌اند: او برادر پیامبر، عزیزترین مردمان در نزد او و نور چشم خدیجه کبری سلام الله علیها است.

### بصیرت ژرف

از بالاترین فضائل حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها این است که از اندیشه بلند و فکر عمیق و بصیرت ژرف برخوردار بود؛ مخصوصاً عقل عملی او در اوج خود قرار داشت. این امر را می‌توان از انتخاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان شوهر آینده و شایسته خود از بین آن همه خواستگاران تاجر فهمید.

او در چهره و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آینده درخشان و ممتاز او را می‌دید، به همین جهت راز پیشنهاد ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم را (قبل از بعثت) چنین بیان می‌کند:

«يَا بْنَ عَمٍّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛

ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی‌ات با من و شرف و امانتداری‌ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیکو، راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم.»

جملات فوق به خوبی نشان می‌دهد که محبت و ارادت این بانو به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس عشق مجازی و محبت شهوانی نبوده، بلکه بر اثر معرفت و شناخت عمیقی بوده است که از شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشت. اما افرادی که چنین بصیرتی نداشتند، از جمله گروهی از زنان قریش سخت حضرت خدیجه سلام الله علیها را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند، تا آنجا که گفتند:

«او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است تن به ازدواج داد. چه ننگ

بزرگی.»

حضرت خدیجه سلام الله علیها که انتخابش از سر شناخت و معرفت بود، محکم و قرص بر انتخاب خویش پای فشرد و در جواب سخنان ناشی از جهالت و بی‌خبری آنها گفت:

«ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما [و خودتان] در مورد ازدواج من با محمد خُرده گرفته‌اید و عیبجویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، فردی مانند محمد وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن شخصیتی به سان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگیها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است.»

### از برترین بانوان دو سرا

برترین زنان جهان هستی را چهار زن تشکیل می‌دهند؛ چنانکه ابن اثیر از آنس بن مالک از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمودند: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيه، خَدِيْجَه وَ فَاطِمَه؛ برترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه سلام الله علیها هستند.»

همین‌ها که کوله بار کمال را در دنیا بستند، در بهشت نیز در صدر قرار دارند و از جمله آنها حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها می‌باشد. «عکرمه» از «ابن عباس» نقل می‌کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ □ وَ آسِيهُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ؛<sup>۵۸</sup>

بهترین زنان بهشت اینانند: خدیجه دختر خُوَیَلِد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»

### برترین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همسران متعددی داشتند، ولی از نظر درجات یکسان نبودند. بعضی از آنها در حال حیات و بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخت حضرت را اذیت و آزار داد و برخلاف دستورات او حرکت کرد، که همین امر باعث تنزل مقام و منزلت او گردید، ولی برخی از آنها مانند خدیجه کبری با تمام وجود و هستی خویش در راه اطاعت از پیامبر اکرم صلی



الله علیه و آله و سلم و جلب رضایت او کوشید و در نتیجه در بین تمام همسران رتبه ممتاز را کسب نمود.

مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسَ عَشْرَ امْرَأَةً... أَفْضَلَهُنَّ خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛<sup>۵۹</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه دختر خُوَيْلِدٍ بود.»

### مادر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

طبق نص قرآن کریم همسران پیامبر مادران روحانی مؤمنان و «ام المؤمنین» هستند: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»<sup>۶۰</sup>؛ «همسران او (پیامبر) مادران مؤمنین هستند» و حضرت خدیجه سلام الله علیها از برترین مصداق های آیه به شمار می رود و این سعادت در بین همه زنان حضرت، نصیب حضرت خدیجه سلام الله علیها گشت که یازده امام از نسل او از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها پدید آید. راستی چنین مقامی نیاز به لیاقت و استعداد بالا دارد.

از بین فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام ممتازی برخوردار است؛ چرا که هم دارای عصمت است و هم امامت و وصایت از طریق نسل او استمرار یافت.

### سخاوت و انفاق بی بدیل

ثروت حضرت خدیجه سلام الله علیها در آن دوران زبانزد خاص و عام بود. ثروت این بانوی کاردان و عاقله به قدری زیاد بود که مالداران درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عقبه بن ابی معیط» در نزد او ناچیز به شمار می رفتند.

مورخان ثروت خدیجه سلام الله علیها را بدین ترتیب شمرده اند:

۱. هزاران شتر که اموال تجارتهی او را حمل می کردند.
۲. قبه ای از حریر سبز با طناب های ابریشمی بر بام خانه اش افراشته بود. این امر نمایانگر ثروت فراوان او بود و فقرا نیز از روی این علامت برای استعانت و کمک مراجعه می کردند.

---

<sup>۵۹</sup>. الخصال ص ۴۱۹

<sup>۶۰</sup>. سوره مبارکه احزاب آیه ۶

۳. چهارصد غلام و کنیز که خدمات ارجاعی او را انجام می دادند.

پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، حضرت خدیجه سلام الله علیها تمامی این ثروت را در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و عرض کرد: «الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَ أَنَا أُمَّتُكَ؛ خانه، خانه ی تو و من هم کنیز تو هستم.»<sup>۶۱</sup>

وَرَقَهُ بِنِ نَوْفَلٍ ، پسر عموی امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها ، بعد از این قضیه کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت:

«ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود همه ثروتش را از غلامان و کنیزان، املاک، دامها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخشیده است و همه آنها هدیه ای است که محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن را پذیرفته است و این کار حضرت خدیجه سلام الله علیها به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از این اموال برای پیشبرد اسلام و اهداف آن نهایت استفاده را برد. به همین جهت خود آن حضرت فرمود:

«هیچ ثروتی، هرگز مانند ثروت خدیجه به من سود نرساند.»<sup>۶۲</sup>

### خدیجه سلام الله علیها در احادیث معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت:

«حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه سلام الله علیها برسانی»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه سلام الله علیها ابلاغ کرد، خدیجه گفت:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ، وَ عَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ؛<sup>۶۳</sup>

۶۱. الخرائج و الجرائح ج ۱ ص ۱۴۰

۶۲. بحار الانوار ج ۱۹ ص ۶۳

۶۳. همان ج ۱۶ ص ۷

همانا ذات پاک خدا سلام است و از او است سلام و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام

باد.»

### خدیدجه سلام الله علیها در گفتار انبیای الهی، ائمه: و اصحاب صدر اسلام:

ابن بکار از عبدالرحمن بن زید از قول آدم علیه السلام چنین می گوید:

«آدم در بهشت به حوا گفت یکی از مزایایی که خدا نصیب رسول الله کرد این بود که جفتی چون حضرت خدیجه سلام الله علیها نصیب او نمود و حضرت خدیجه سلام الله علیها پیوسته برای انجام رسانیدن مشیت خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کمک می کرد در صورتی که حوا سبب گردید که من در بهشت بر خلاف اراده خداوند رفتار نمایم.»<sup>۶۴</sup>

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جده من خدیجه سلام الله علیها دختر خُوَیَلِد است؟»<sup>۶۵</sup> و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟» امام سجاد علیه السلام در مجلس شاهانه یزید در دمشق در خطبه معروف خود، این چنین خود را معرفی می کند:

«أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ مِنْ پسر خدیجه، بانوی بزرگ اسلام هستم.»<sup>۶۶</sup>

حضرت زینب سلام الله علیها در کربلا در روز یازدهم محرم سال ۶۱ هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمد و مطالبی جانسوز گفت، از جمله در آنجا پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام از حضرت خدیجه سلام الله علیها یاد کرد و فرمود:

«بِأَبِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى: پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد.»<sup>۶۷</sup>

در عصر امامت امام حسن علیه السلام پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند و از مردم برای خود بیعت گرفت، پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در مجلس حاضر بودند، امام حسین علیه

<sup>۶۴</sup>. عمدة القاری شرح صحیح البخاری ج ۱ ص ۶۳

<sup>۶۵</sup>. بحارالانوار ج ۴۵ ص ۶

<sup>۶۶</sup>. مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۰۵

<sup>۶۷</sup>. بحارالانوار ج ۴۵ ص ۵۸

السلام برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن علیه السلام دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود:

«ای آنکه علی علیه السلام را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه و پدرت صخر می باشد، مادر من فاطمه علیها سلام الله و مادر تو هند جگرخوار است، جد من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است جد تو حرب است، «وَجَدَّتِي خَدِيجَةُ وَ جَدَّتُكَ فَتِيلَةُ...»؛ جده ی من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدّه ی تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما، آن کس که نامش پلید و حَسَب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است.»<sup>۶۸</sup>

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمودند:

«خَيْرُ نِسَائِهِا خَدِيجَةُ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ» «بهترین زنان دنیا خدیجه سلام الله علیها و مریم دختر عمران هستند»<sup>۶۹</sup>

و همچنین فرموده اند: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)»<sup>۷۰</sup>

بهترین زنان جهانیان عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه سلام الله علیها دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار خط کشید. آنگاه پرسید: آیا می دانید این خطها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش داناتر است. فرمود:

«خَيْرُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امراه فرعون: بهترین زنان بهشت، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است»<sup>۷۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه که در حال برتری جویی نسبت به حضرت فاطمه سلام الله علیها بود فرمودند:

«أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ

۶۸. الغدير ج ۱۱ ص ۷ و ۸

۶۹. بحار الانوار ج ۱۶ ص ۷

۷۰. موارد الظمان ج ۷ ص ۱۶۸

۷۱. بحار الانوار ج ۱۳ ص ۱۶۲

حَمَزَهُ وَجَعْفَرًا وَفَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ؟! ٧٢

آیا نمی دانی که خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، حمزه، جعفر، فاطمه سلام الله علیها و خدیجه سلام الله علیها را بر جهانیان برگزید؟!». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا! این خدیجه سلام الله علیها است، هر گاه نزد تو آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من، سلام برسان:

«وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ» ٧٣

«و او را به خانه ای از یک قطعه (زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست مزده بده» روایت شده است: روزی جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و جویای خدیجه سلام الله علیها شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را نیافت، جبرئیل گفت: «وقتی که او آمد، به او خبر برده که پروردگارش به او سلام می رساند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه سلام الله علیها توسط عمار یاسر به حضرت خدیجه سلام الله علیها چنین پیام داد: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيَبَاهِيَ بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا» ٧٤

همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می کند»

در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بستر شهادت قرار گرفت، حضرت زهرا سلام الله علیها بسیار پریشان و گریان بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا سلام الله علیها را به وجود پر برکت مولا علی علیه السلام دلداری داد و در فرازی ضمن یاد از خدیجه سلام الله علیها فرمود: «دَلَّ خَوْشِ دَارِ كَه: إِنَّ عَلِيًّا أَوْلَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ وَخَدِيجَةُ أُمُّكَ» ٧٥

همانا علی علیه السلام نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد، او و خدیجه سلام الله علیها مادر تو اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.»

٧٢. همان ج ٣٧ ص ٦٣

٧٣. مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام ص ٣٥٥

٧٤. بحار الانوار ج ١٦ ص ٧٨

٧٥. همان ج ٢٢ ص ٥٠٢

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها همواره از خاطرات شیرین و ایثار آن بانوی گرامی به نیکی یاد می‌کرد و هرگاه به یاد او می‌افتاد، اشک فراق بر دیدگانش جاری می‌شد از جمله:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نزد چند نفر از همسران خود بود، ناگاه سخنی از حضرت خدیجه سلام الله علیها به میان آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنچنان آشفته و پر احساس شد که قطره های اشک از چشمانش سرازیر گشت. عایشه به آن حضرت گفت: «چرا گریه می‌کنی؟ آیا برای یک پیرزن گندمگون از فرزندان اَسَد، باید گریه کرد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به او فرمود:

«صَدَقْتَنِي إِذْ كَذَبْتُمُ وَّ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمُ وَّ وُلِدْتَ لِي إِذْ عَقَمْتُمُ؛<sup>۷۶</sup>

او هنگامی که شما مرا تکذیب می‌کردید، تصدیق کرد و هنگامی که کافر بودید، او به من ایمان آورد؛ و برای من فرزندی آورد در حالی که شما نازا هستید.»  
و نیز روایت شده:

روزی پیرزنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد، آن حضرت او را مورد لطف سرشار قرار داد، وقتی آن پیرزن رفت، عایشه علت آن همه مهربانی به پیرزن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید، ایشان در جواب فرمود:

«إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَّ إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ؛<sup>۷۷</sup> این پیرزن در عصر زندگی خدیجه سلام الله علیها، به خانه ما می‌آمد و از کمکها و الطاف سرشار خدیجه سلام الله علیها برخوردار بود، همانا نیک نگهداری عهد و سابقه، از ایمان است.»

و مطابق روایت دیگر عایشه گفت: «هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوسفندی ذبح می‌کرد، می‌فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه سلام الله علیها بفرستید، یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم، فرمود: «إِنِّي لِأَحَبِّ حَبِيبَةٍ؛ من دوست خدیجه سلام الله علیها را دوست دارم.»<sup>۷۸</sup> عایشه بارها گفته بود: «به هیچ‌یک از زنان پیامبر به اندازه خدیجه حسادت نورزیدم در حالی که هرگز او را ندیده بودم و این به سبب یادآوری بیش از حد او توسط پیامبر بود»<sup>۷۹</sup>

---

<sup>۷۶</sup> بحار الانوار ج ۱۶ ص ۸

<sup>۷۷</sup> همان

<sup>۷۸</sup> الاصابة ج ۸ ص ۱۰۳

<sup>۷۹</sup> صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۸

## تشریف فرمایی حضرت خدیجه سلام الله علیها به محشر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تشریفات ورود حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را به صحرای محشر چنین توصیف می نماید:

هفتاد هزار فرشته در حالی که پرچم هایی منقش و مزین با جمله «الله اکبر» را در دست دارند به استقبال او می شتابند.

## وفات ام المومنین حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها قریب بیست و پنج سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زندگی کرد و سرانجام در بستر بیماری قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بر بالین او حاضر بود، ضمن گفتگوی با وی فرمود:

خدا تو را با مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم برابری داده است.

وقتی روح حضرت خدیجه سلام الله علیها به سوی جهان جاودان پر کشید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت گریست. در قبرستان حجون قبری برایش کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود به راه افتاد؛ همچنان که اشک از چشمانش می بارید داخل قبر شد و خوابید، افزونتر از قبل گریست و او را دعا کرد. آنگاه برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. حضرت فاطمه سلام الله علیها، تنها یادگار ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها گرد پدر می گشت، خود را به دامان او می آویخت، بهانه مادر می گرفت و دل دردمند پدر را آتش می زد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز سکوت چیزی نداشت؛ جبرئیل نازل شد و گفت:

ای پیامبر، به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته که درونش آشکار است و در آنجا هیچ سختی و تلخی نیست.

به این ترتیب فرشته ی الهی پایان رنج ها و محنت های حضرت خدیجه سلام الله علیها را اعلام کرد.

وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها به فاصله اندکی از رحلت اندوهبار حضرت ابوطالب علیه السلام رخ داد، محققان زمان وفاتش را سه سال قبل از هجرت می دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم آن سال را «عام الحزن»؛ سال غم و اندوه نام نهاد و در واقع یک سال اعلام عزای عمومی نمود. حضرت خدیجه سلام الله علیها در آخرین لحظات زندگی وصیائی به شرح زیر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود:

۱. برای او دعای خیر کند.

۲. او را به دست خود در خاک قرار دهد.

۳. پیش از دفن در قبر او وارد شود.

۴. عبائی را که به هنگام نزول وحی بر دوش داشت، روی کفن او قرار دهد.

حضرت خدیجه سلام الله علیها که همه اموال منقول و غیرمنقولش را به حبیب خود بخشیده بود، در مقابل فقط یک عبا مطالبه نمود و آن را مستقیماً طلب نکرد، بلکه به وسیله حضرت فاطمه سلام الله علیها تقاضا کرد. آنگاه پیک وحی فرود آمد و کفن بهشتی از سوی پروردگار از بهشت آورد.

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم نخست با عبای خود او را کفن کرد، آنگاه کفن بهشتی را بر روی آن قرار دادند. امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها در آن لحظات آخر در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها ابراز نگرانی کرد، اسماء بنت عمیس تعهد نمود که در شب زفاف او به جای خدیجه سلام الله علیها نقش مادری ایفا کند.

پس از ارتحال حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها منزل مسکونی اش به عنوان یکی از مشاهد مشرفه، همه ساله مورد بازدید هزاران زائر مشتاق، و الهام بخش حجاج بیت الله الحرام بوده است. ابن بطوطه جهانگرد نامی می نویسد:

از مشاهد مشرفه در نزدیکی مسجدالحرام «قُبَّهُ الْوَحَى» است که در سال ۷۲۷ ه.ق بر قبر وی ساختند و آن خانه امّ المؤمنین خدیجه سلام الله علیها می باشد. که متأسفانه در سال ۱۳۴۴ ه.ق به وسیله ی فرقه ضالّه وهابیت ویران شد.

شیخ انصاری قدس سره در مناسک حج خود می نویسد:

در مکه معظمه مستحب است که حجاج خانه خدا به منزل حضرت خدیجه سلام الله علیها شرفیاب

شوند.<sup>۸۰</sup>

---

<sup>۸۰</sup>. خدیجه سلام الله علیها مادر مومنان ص ۳۷-۳۵



## منايع و ماخذ

قرآن كريم

مفاتيح الجنان حاج شيخ عباس قمى

ابن الاثير، أبو الحسن على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد الشيبانى الجزرى، الكامل فى التاريخ، تحقيق: عمر عبد السلام تدمرى، الناشر: دار الكتاب العربى، بيروت - لبنان، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ / ١٩٩٧م

ابن العماد الحنبلى، عبد الحى بن أحمد بن محمد ابن العماد العكرى الحنبلى، شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرنؤوط، خرج أحاديثه: عبد القادر الأرنؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م

ابن المغازلى، مناقب على بن أبى طالب عليه السلام، انتشارات سبط النبى صلى الله عليه و آله، چاپخانه : سبجان، چاپ اول ١٤٢٦ - ١٣٨٤ ش

ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانى (ت ٨٥٢هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى - ١٤١٥هـ

ابن سعد، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمى بالولاء البصرى البغدادى، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٠هـ - ١٩٩٠م

ابن سيدالناس، محمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، عيون الأثر فى فنون المغازى والشمائل والسير، تعليق: إبراهيم محمد رمضان، الناشر: دار القلم - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٤/١٩٩٣.

ابن شهر آشوب، مناقب آل أبى طالب، ناشر : المكتبة الحيدرية - النجف الأشرف، ١٣٧٦هـ - ١٩٥٦م

ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبى (ت ٤٦٣هـ)، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، المحقق: على محمد البجاوى، الناشر: دار الجبل، بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٢هـ - ١٩٩٢م

ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى البصرى ثم الدمشقى، البداية والنهاية، الناشر: مطبعة السعادة - القاهرة

ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع بيروت - لبنان، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٦ م  
ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري، السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق: مصطفى السقا وإبراهيم الأبياري وعبد الحفيظ الشلبي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة الثانية، ١٣٧٥ هـ - ١٩٥٥ م

أبو العباس، محمد بن يزيد المبرد (ت ٢٨٥ هـ)، الكامل في اللغة والأدب، المحقق محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر دار الفكر العربي - القاهرة، الطبعة الثالثة ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م  
أبو القاسم الكوفي، الاستغاثة، نرم افزار كتابخانه اهل بيت عليهم السلام  
أبو بكر الباقلائي محمد بن الطيب (ت ٤٠٣ هـ)، إعجاز القرآن، المحقق السيد أحمد صقر، دار المعارف - مصر، الطبعة الخامسة ١٩٩٧ م

أبو بكر البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرَوُجَرْدِي الخراساني (ت ٤٥٨ هـ)،  
أبو جعفر الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي (ت ٣١٠ هـ)، تاريخ الطبري =  
تاريخ الرسل والملوك، وصلة تاريخ الطبري، دار التراث - بيروت، الطبعة الثانية - ١٣٨٧ هـ  
أبو سعد الآبي، منصور بن الحسين الرازي (ت ٤٢١ هـ)، نثر الدر في المحاضرات، المحقق خالد عبد الغني محفوظ، دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة الأولى ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م  
أبو عبد الله، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة ابن بردزبه البخاري الجعفي، صحيح البخاري تحقيق: جماعة من العلماء، الطبعة السلطانية، بالمطبعة الكبرى الأميرية، ببولاق مصر، ١٣١١ هـ بأمر السلطان عبد الحميد الثاني

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (ت ٨٥٥ هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت  
أبي الفرج الأصفهاني، مقاتل الطالبين، تحقيق و تقديم وإشراف: كاظم المظفر، چاپ دوم، ١٣٨٥ هـ - ١٩٦٥ م

أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م  
البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (ت ٢٧٩ هـ)، جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م  
جلال الدين السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر (ت ٩١١ هـ)، الدر المنثور، الناشر: دار الفكر -

بيروت

الجوهري، السقيفة وفدك، تحقيق و تقديم: الدكتور الشيخ محمد هادي الأميني، ناشر: شركة الكتبي للطباعة والنشر - بيروت - لبنان، چاپ دوم ١٤١٣ - ١٩٩٣ م

الحاكم النيسابوري، أبو عبد الله محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، دراسة وتحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١١ هـ

حسين بن محمد بن الحسن الديار بكرى (ت ٩٦٦هـ)، تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس، الناشر: دار صادر - بيروت

أبو بكر البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، المحقق: د. عبد المعطى قلعجي، دار الكتب العلمية، دار الريان للتراث، الطبعة الأولى - ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي (ت ٧٤٨ هـ)، سير أعلام النبلاء، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م

سعيد أبو معاش، الشيعة الفرقة الناجية، ناشر: مؤسسة السيدة المعصومة (ع)، چاپ اول ١٤٢٨ هـ سيد جعفر مرتضى عاملی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه و آله وسلم، ناشر: سحرگاهان، سال چاپ: ١٤١٩ هـ

الشيخ الأميني، الغدير، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت - لبنان، چاپ چهارم ١٣٩٧ هـ - ١٩٧٧ م

الشيخ الصدوق، الخصال، تحقيق: تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، سال چاپ: ١٨ ذى القعدة الحرام ١٤٠٣ - ١٣٦٢ ش، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة

الشيخ الصدوق، معاني الأخبار، تحقيق وتصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ١٣٧٩ هـ - ١٣٣٨ ش الشيخ الصدوق، من لا يحضره الفقيه، تحقيق وتصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ دوم ١٤٠٤ هـ

الشيخ الكليني، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق وتصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، دار الكتب الإسلامية - طهران، چاپخانه حيدري، چاپ سوم ١٣٦٧ ش

ضياء الدين مقدسي، المطهر بن طاهر المقدسي (ت نحو ٣٥٥هـ)، البدء والتاريخ، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، بور سعيد

عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافى، السيرة النبوية لابن هشام، المحقق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: شركة الطباعة الفنية المتحدة

عز الدين ابن الأثير، أبو الحسن علي بن محمد الجزرى، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق: محمد إبراهيم البنا - محمد أحمد عاشور - محمود عبد الوهاب فايد، دار الفكر - بيروت ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩ م

العلامة المجلسى، بحار الأنوار، تحقيق محمد مهدي السيد حسن الموسوى الخراسان و السيد إبراهيم الميانجى و محمد الباقر البهبودى، چاپ دوم تصحيح شده، مؤسسه الوفاء - بيروت - لبنان، ١٤٠٣ - ١٩٨٣ م

على بن يونس العاملى النباطى البياضى، الصراط المستقيم، تحقيق : تصحيح وتعليق : محمد الباقر البهبودى، ناشر : المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية

القسطلانى، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن محمد بن أبى بكر بن عبد الملك القسطلانى القتيبى المصرى، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، الناشر: المكتبة التوفيقية، القاهرة - مصر

قطب الدين الراوندى، الخرائج والجرائح، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدي (ع) / بإشراف السيد محمد باقر الموحد الأبطحي، چاپخانه : العلمية - قم، چاپ اول ذى الحجة ١٤٠٩ هـ

قوام السنة، أبو القاسم إسماعيل بن محمد بن الفضل بن على القرشى الطليحى التيمى الأصبهاني، (ت ٥٣٥هـ)، دلائل النبوة، المحقق محمد محمد الحداد، الناشر: دار طيبة - الرياض، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ  
محمد بن أحمد الدمشقى الباعونى الشافعى، جواهر المطالب فى مناقب الإمام على عليه السلام، تحقيق : الشيخ محمد باقر المحمودى، ناشر : مجمع إحياء الثقافة الإسلامية - قم - ايران، چاپ اول ١٤١٥ هـ

محمد بن إسحاق بن يسار المطلبى بالولاء المدنى، سيرة ابن إسحاق (كتاب السير والمغازى)، تحقيق: سهيل زكار، دار الفكر بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٨ هـ / ١٩٧٨ م

محمد بن جرير الطبرى (الشيعة)، دلائل الامامة، تحقيق : قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة - قم، چاپ اول ١٤١٣ هـ

المسعودى، مروج الذهب ومعادن الجوهر، منشورات دار الهجرة ايران - قم، چاپ دوم ١٤٠٤ هـ - ١٣٦٣ ش - ١٩٨٤ م

نورالدين الحلبي، على بن إبراهيم بن أحمد الحلبي، السيرة الحلبية = إنسان العيون فى سيرة الأئمة المأمون، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الثانية - ١٤٢٧ هـ

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، خدیجه سلام الله علیها مادر مومنان، ناشر:  
مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ ش  
الهیتمی، موارد الظمان، تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، عبد علی الکوشک، ناشر: دار الثقافة  
العربية، چاپ اول ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م  
البعقوبی، تاریخ الیعقوبی (فارسی)، تحقیق و ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، چاپخانه زیبا، چاپ  
دوم ۱۳۴۷ ش